

مطالعه نقش تعدیل‌کننده سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در ارتباط با قوم‌گرایی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تبریز

محمدباقر علیزاده اقدم (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

aghdam1351@yahoo.com

محمد عباس‌زاده (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

m.abbaszadeh2014@gmail.com

راویه عابدینی (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

r.abedini19@gmail.com

چکیده

قوم‌گرایی همواره به عنوان یک نگرش و رفتار تبعیض‌آمیز تأثیرگذار بر عملکرد افراد طی تعاملات بین فرهنگی در گستره جهانی و به‌ویژه در کشورهای چندقومیتی مطرح می‌شود. بروز چنین موضوعی متأثر از علل و عوامل عدیده‌ای است که تلاش شده است برخی عوامل مرتبط با آن بررسی شود. پژوهش حاضر با روش پیمایشی در سال ۱۳۹۳ در شهر تبریز انجام شده است. جامعه آماری تحقیق متشکل از جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن شهر تبریز است که براساس فرمول کوکران، حجم نمونه آن‌ها ۳۸۴ نفر برآورد شده است. اطلاعات مربوطه با استفاده از ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، میزان قوم‌گرایی در جامعه مورد بررسی در حد متوسط می‌باشد. همچنین، میزان آن در بین مردان به طور معنی‌داری بیشتر از زنان بوده است. در پایان نیز نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر اعتماد نهادی از طریق متغیرهای انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به شکل معنی‌داری بر قوم‌گرایی جوانان تأثیر داشته‌اند.

کلیدواژه: قوم‌گرایی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی، جوانان، تبریز.

۱. مقدمه و بیان مسأله

موضوع ارتباطات و تعاملات میان اقوام یکی از مباحث مهم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای کثیرالاقوام^۱ به شمار می‌آید؛ زیرا تضعیف یا تقویت روابط بین اقوام و در نتیجه، تضعیف یا تقویت یک‌پارچگی ملی، ریشه در شدت و ضعف گرایشات قومی گروه‌های مختلف (قوم‌گرایی) دارد. بررسی چنین موضوعی در ایران به عنوان کشوری که از دیرباز محل سکونت اقوام متعدد با تفاوت‌های فرهنگی، زبانی (گوشی) و مذهبی بوده و یک‌پارچگی آن تا حد زیادی منوط به مسالمت و هم‌زیستی این اقوام است، اهمیت زیادی دارد.

در این میان، یکی از پدیده‌هایی که در تاریخ معاصر ایران مطرح بوده، مسأله «قومیت‌گرایی آذری» است که اغلب به عنوان جریانی سیاسی با عنوان پان‌ترکیسم به آن اشاره می‌شود. این موضوع در مباحث مربوط به آسیب‌شناسی امنیت ملی، به عنوان تهدیدی بالقوه تلقی می‌شود. در تاریخ آذربایجان، سابقه حرکت‌های قومی قدمت چندانی ندارد. پیشینه قومیت‌گرایی آذری در تاریخ این خطه حداکثر به سال‌های پس از جنبش مشروطه می‌رسد. بنابراین، این امر نشان‌دهنده تأثیر و تأثر تعاملات ایدئولوژیکی، سیاسی و التهابات قرن بیستم (پورقلی، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۲)، پیدایش تقاضاها و امکانات جدید برای تجدید حیات هویت‌های محلی در نتیجه جهانی‌شدن (گیدنز، ۱۳۸۴، صص. ۳۸-۳۹) و پیامد آن گسترش آگاهی قومی و در نتیجه، کشمکش‌های قومی در جهان (رابرت گر، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۸) است. با توجه به چنین وضعیتی، پدیده قوم‌گرایی خطر بالقوه‌ای است که اگر هوشمندانه مدیریت نشود، می‌تواند امنیت ملی، تمامیت ارضی و یک‌پارچگی ملی را در معرض تهدید و تجزیه قرار دهد.

به این منظور، طی سالیان اخیر پژوهش‌های فراوانی در حوزه مسائل قومی به طور کلی در ایران و قومیت آذری به طور خاص، صورت پذیرفته است. هر یک از محققان سعی

کرده‌اند با بررسی ابعادی از موضوع، اهمیت چنین مسأله‌ای را آشکار سازند، هرچند که همواره جنبه‌های منفی گرایش‌های قومی مورد تحقیق قرار گرفته است. اگر قوم‌گرایی مانند یک پیوستار در نظر گرفته شود، نقطه مقابل قوم‌گرایی افراطی، نسبت فرهنگی است که طی آن افراد در کنار هم‌بستگی، مشارکت، وفاداری و غیره نسبت به اعضای درون گروه، در به‌رسمیت‌شناختن هنجارهای ارزشمند برون گروه‌ها سعی داشته و در نتیجه، قضاوت‌های صحیح و منصفانه‌ای در مورد آن‌ها خواهند کرد. همان‌طور که برخی تحقیقات نشان داده‌اند، قوم‌گرایی در ایران نه تنها تضعیف‌کننده نیست؛ بلکه قوام‌بخش و تقویت‌کننده هویت ملی نیز هست. بنابراین، تعدد قومی در ایران یک معضل شدید محسوب نشده و با مدیریت مناسب می‌توان بر معضلات ناشی از آن غلبه کرد (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸، ص. ۷۸). در مقابل، نتایج سایر تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد قوم‌گرایی به طور کلی در تمام اقوام کشور بالا بوده و بر فراوانی، عمومیت، تعدد یا تنوع روابط هم‌زیستانه قومی شامل روابط مبادله‌ای، گفتگویی و اجتماعی، اثر منفی داشته و تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند؛ به‌علاوه، کاهش رابطه بین قومی، خود باعث تشدید پیش‌داوری و قوم‌مداری است. در عین حال، باید در نظر داشت که قوم‌گرایی به‌تنهایی موجب تغییر و کاهش روابط بین قومی نمی‌شود (یوسفی و اصغرپور، ۱۳۸۸، صص. ۱۳۹-۱۳۷) یا یافته‌های تحقیق دیگری که با فاصله زمانی یک دهه پیش‌تر از تحقیق حاضر صورت گرفته، گرایش‌های بسیار بالا و قوی به تاریخ قومی (۸۷/۹ درصد، بر مبنای یک مقیاس صفر تا صد)، وابستگی قومی و علاقه به هم‌قومی‌های دیگر و احساس غرور از ترک‌بودن (۷۵/۲) و در نهایت، گرایش قوی به هویت قومی (در کل) را نشان داده است (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱، صص. ۲۹-۳۱). حال با در نظر گرفتن این نکته که چنین گرایشی که در سطح نگرشی و فردی بروز می‌کند، دارای ریشه‌هایی اجتماعی است که توجه به آن‌ها برای سیاست‌گذاری درست و مدیریت بحران‌های ناشی از معضلات قومی و پیش‌گیری از بروز این آسیب‌ها ضروری است؛ علاوه بر این، با عنایت به برجسته‌بودن موقعیت تبریز نسبت به سایر شهرهای منطقه آذربایجان به عنوان شهری که تا امروز شاهد

وقوع چندین نمونه از حرکت‌های اعتراضی و هویت‌خواهانه بوده است، مقاله حاضر در پی بررسی این مسأله است که در شرایطی که جمعیت جوان منطقه در نتیجه واقع شدن در معرض جهانی شدن و پیامدهای آن از جمله گسترش فن‌آوری‌های ارتباطی، تنوع رسانه‌های جمعی و غیره، با گسترش ارتباطات واقعی و مجازی میان فرهنگ‌های مختلف با انواع هویت‌های جمعی جدید مواجه‌اند، میزان قوم‌گرایی در بین جوانان ۲۹-۱۸ سال کلان‌شهر تبریز چه قدر بوده، تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی تا چه میزان می‌باشد و در این میان، نقش تعدیل‌گر سرمایه اجتماعی تا چه حدی تعیین‌کننده است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. قوم‌گرایی

اصطلاح قوم‌گرایی در علوم اجتماعی به صورت وسیعی به منظور توصیف رفتار انسان‌هایی با تفاوت‌های فرهنگی به کار برده می‌شود (سینکوویچ و هولس مولر، ۱۹۹۴، ص. ۲) که عموماً گرایش به درست‌پنداشتن سنت‌ها، رسوم و رفتارهای خود و نادرست‌دانستن فرهنگ دیگری است. بیش از یک قرن پیش، ویلیام گراهام سامنر^۲ (۱۹۰۶) ادعا کرد که قوم‌گرایی - تمایل نسبت به درون‌گروه و خصومت نسبت به برون‌گروه - ناشی از رقابت بین گروهی بوده و به این ترتیب، این اصطلاح برای اولین بار توسط وی در تحقیقات علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت (هوگه^۳، ۲۰۰۸، ص. ۱)؛ به این صورت که طی آن فرد درون‌گروه، محور همه چیز نگریسته می‌شود و دیگران با توجه و بر مبنای معیارهای درون‌گروه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؛ به عبارت ساده‌تر هر گروه قومی، راه و رسم و عادت‌واره‌های خود را صحیح‌ترین می‌داند و نسبت به تحقیر دیگران تحریک می‌شود

1. Sinkovics & Holzmüller
2. William Graham Sumner
3. Hooghe

(سامنر، ۱۹۰۶، ص. ۳). بنابراین، قوم‌گرایی یک وضعیت یا حالت روانی است که هم‌زمان دارای نتایج مثبت و منفی می‌باشد.

در واقع، برای بقای هر فرهنگی، وجود درجه خاصی از قوم‌گرایی اعضایش برای توسعه درون گروه، غرور ملی و میهن‌پرستی (رنج^۱، ۲۰۰۶، ص. ۲۴)، تقویت بقا، هم‌بستگی، انطباق، مشارکت و وفاداری درون گروه ضروری است؛ اما مسأله از جایی پدیدار می‌شود که هرگاه قوم‌گرایی تا سطح خاصی رشد بکند، ممکن است مانعی در برابر ارتباط مؤثر بین افرادی با فرهنگ‌های مختلف شود (نویلیپ و مک کروسکی^۲، ۱۹۹۷، ص. ۳۸). همان‌طور که پژوهش‌گران معتقدند قوم‌گرایی در حالت افراطی، ذاتاً مخرب برقراری ارتباط بین فرهنگی مناسب بوده و درجات بالاتر قوم‌گرایی، فاصله اجتماعی را در روابط بین افرادی از فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌کند که به نوبه خود، موجب ناکارآمدی چنین روابطی نیز می‌شوند (گودی‌کانت و کیم^۳، ۲۰۰۲). در چنین شرایطی، قوم‌گرایی با رهنمون کردن افراد به به‌کارگیری معیارهای درون گروه به عنوان محور مشاهدات و مقیاس عمل، موجب رشد تعصب و پیش‌داوری شده و مانع مهمی در گسترش مناسبات بین قومی می‌شود (یوسفی واصغریور، ۱۳۸۸).

۲.۲. سرمایه اجتماعی

سابقه امروزین مفهوم سرمایه اجتماعی به ۸۰ سال پیش و نوشته‌های لیداجی هانیفان^۴ برمی‌گردد. جیمز کلمن^۵ (۱۹۸۸) برای اولین بار این مفهوم را وارد عرصه سیاسی کرد. تلاش‌های وی در اروپا توسط رابرت پاتنام^۶ پیگیری شد. امروزه با توجه به اهمیت آن در سامان‌دادن زندگی جدید بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که شاهد موج

1. Wrench
2. Neuliep & McCroskey
3. Gudykunst & Kim
4. L. J. Hanifan
5. James S. Coleman
6. Robert David Putnam

عظیمی از اندیشه‌ها و پژوهش‌ها در این زمینه هستیم که بیشتر برگرفته از پژوهش‌های اندیشمندان متأخر مانند کلمن، پاتنام، اینگلهارت، پاکستون، گیدنز، فوکویاما، بوردیو^۲ و دیگران است (کتابی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۰).

براساس پیش‌گفته‌ها از جمله صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی که با به‌کاربردن این اصطلاح در حوزه مطالعه دموکراسی و جامعه مدنی ابعاد تازه‌تری به آن بخشید، رابرت پاتنام است. به نظر وی، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده سه عنصر اصلی؛ تعهدات و هنجارهای اخلاقی^۳، ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه اعتماد) و شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه انجمن‌های داوطلبانه^۴) است که توان بهبود کارایی از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ را داراست (پاتنام، ۱۹۹۳، ص. ۱۷۱). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد آن در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات آن بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت، توسعه اقتصادی علاقه‌مند است.

در ادامه پاتنام با یک قیاس ساده و با استفاده از اصطلاحات انجمن‌های درون‌گروهی و میان‌گروهی (ادیبی، یزدخواستی، ربانی و عباس‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۶) به تمایز دو نوع اصلی سرمایه اجتماعی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی محدود یا قدیم که با عنوان سرمایه اجتماعی پیونددهنده^۵ [درون‌گروهی] معرفی می‌شود، نوعی سرمایه اجتماعی که اعضای گروه‌های همگن را که از جهات جمعی مثل سن، جنسیت، قومیت، مذهب، طبقه اجتماعی و نظایر آن شبیه هم هستند، به یک‌دیگر پیوند می‌دهد که در نهایت، به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری، محدود و خاص‌گرا منجر می‌شود (قادرزاده و شفیع‌نیا، ۱۳۹۱، صص. ۱۸۰-۱۷۹).

-
1. Francis Fukuyama
 2. Pierre Bourdieu
 3. Moral Obligations And Norms
 4. Voluntary Associations
 5. Bonding Social Capital

در مقابل، سرمایه اجتماعی پل‌زننده^۱ یا جدید [میان گروهی] به شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیرمشابه بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط کرده و پیوند می‌دهد و هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰، صص. ۲۳-۲۲). این نوع سرمایه از طرفی همیاری‌های تعمیم‌یافته را برمی‌انگیزد و از طرف دیگر، دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌سازد (قادرزاده و شفیع‌نیا، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۰). در واقع، اهمیت سرمایه اجتماعی میان گروهی در آن است که افراد را در به‌کارگیری منابع، ایده‌ها و اطلاعات حاصل از تماس با افراد خارج از محیط اجتماعی خود توانمند می‌سازد. پاتنام در ادامه، با اشاره به نظریه پیوندهای ضعیف^۲ مارک گرانووتر^۳ بیان می‌کند که این مفهوم، سرمایه اجتماعی میان گروهی را منعکس می‌سازد، پیوندهایی که رواج گسترده‌تر اطلاعات را ممکن و پیوند با منابع بیرونی را تسهیل می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰).

همان‌طور که از مطالب فوق برمی‌آید، بحث سرمایه اجتماعی درون گروهی و میان گروهی با مفاهیم شبکه‌ای که در طول دهه ۱۹۷۰ در جامعه‌شناسی ظهور یافت، ارتباط پیدا می‌کند. کار گرانووتر (۱۹۷۳) درباره قدرت پیوندهای ضعیف یکی از نمونه‌های خوب در زمینه روابط شبکه‌ای است. وی میان پیوندهای قوی^۴؛ یعنی پیوند میان دوستان نزدیک و صمیمی دارای ارتباطات نزدیک و پیوندهای ضعیف یعنی پیوند میان مجموعه‌ای از آشنایان دورتر تمایز قایل می‌شود (گرانووتر، ۱۹۷۳، ۱۹۸۲، صص. ۱۰۶-۱۰۵). علی‌رغم اهمیت ظاهری پیوندهای قوی در جامعه‌شناسی، تأکید گرانووتر بر پیوندهای ضعیف است. اهمیت پیوندهای ضعیف در این است که آن‌ها بیشتر از پیوندهای قوی می‌توانند به عنوان پلی میان گروه‌های مختلف عمل کنند (لین، انسل و وون^۵، ۱۹۸۱). به این ترتیب، در حالی که

1. Bridging Social Capital
2. Weak Ties Theory
3. Mark S. Granovetter
4. Strong Ties Theory
5. Lin, Ensel and Vaughn

پیوندهای قوی ممکن است به نحو مؤثری منابع موجود را حفظ کنند، پیوندهای ضعیف یاری‌گر افراد در دستیابی به اطلاعات خارج از گروه هستند. مطابق این تئوری، شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل موجب تضعیف روابط اعضای آن با بیرون می‌شود. در واقع، گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای گروه به روابط ضعیف با اعضای گروه‌های خارجی منجر شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. در مقابل، پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروه‌های خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌انجامد (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص. ۳۸). در این چهارچوب، برت نیز این ایده را بسط می‌دهد که وجود ارتباطات قوی نشان‌دهنده بیشتر بودن سرمایه اجتماعی نیست؛ بلکه وجود پیوندهای متعدد ضعیف که بتواند ارتباطات میان تعداد بیشتری از افراد را پوشش دهد، منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود (نوابخش، عطار و ابوالحسنی، ۱۳۹۱، ص. ۹).

۳.۲. پیشینه تحقیق

اغلب تحقیقات تجربی انجام‌شده درباره مسائل قومی در داخل کشور، به مطالعه هویت قومی و رابطه آن با سایر عوامل پرداخته‌اند و تحقیقات بسیار اندکی در زمینه قوم‌گرایی، عوامل مؤثر بر آن و چهارچوب نظری مطرح‌شده در این تحقیق صورت پذیرفته است. از نتایج این پژوهش‌ها می‌توان به میانگین قوم‌گرایی و عوامل مؤثر و مرتبط با آن در بین گروه‌های مختلف جنسی، سنی، مذهبی، قومی و غیره اشاره کرد؛ به عنوان نمونه، نتایج تحقیق احمدلو و افروغ (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که میانگین میزان هویت قومی در بین پاسخ‌گویان ۸۶/۶۰ است. با توجه به حداقل و حداکثر نمرات، این گرایش در حد قوی است. پاسخ‌گویان در بین مؤلفه‌های هویت قومی بیشترین گرایش (۸۷/۹ درصد) را به مؤلفه تاریخ قومی دارند. گرایش به وابستگی قومی و علاقه به هم‌قومی‌های دیگر و احساس غرور از ترک‌بودن نیز در بین پاسخ‌گویان در حد قوی (۷۵/۲) است. نتایج رتبه‌ای نیز نشان می‌دهد ۷۸/۱ درصد از پاسخ‌گویان گرایشی متوسط تا قوی به هویت قومی دارند. و در نهایت، نتایج

توصیفی تحقیق نشان می‌دهد، جوانان تبریز در عین گرایش به هویت ملی نسبت به هویت قومی نیز گرایشی قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی رابطه مثبتی برقرار است. رضایی و احمدلو (۱۳۸۴) در تحقیقی با هدف بررسی نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی، به این نتیجه رسیدند که میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مورد مطالعه پایین، و میزان روابط بین قومی پاسخ‌گویان بسیار پایین است. گرایش به سایر اقوام، میزان روابط بین قومی را تقویت می‌کند و هر دو متغیر فوق تأثیر مثبتی بر میزان هویت ملی جوانان دارد. سرمایه اجتماعی نیز بر گرایش به سایر اقوام، روابط بین قومی و هویت ملی تأثیر مثبتی داشته و آن‌ها را تقویت می‌کند. یافته‌های تحقیق علی ربانی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت، هم‌افزا و متوسطی وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل ثانویه داده‌های یک تحقیق توسط یوسفی و اصغرپور (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که قوم‌گرایی به طور کلی در نزد همه اقوام ایرانی (هر هشت قوم شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش) بالا بوده و بر روی فراوانی، عمومیت، تعدد یا تنوع روابط هم‌زیستانه قومی شامل روابط مبادله‌ای، گفتمانی و اجتماعی، اثر منفی داشته و تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند؛ به علاوه، کاهش رابطه بین قومی، خود باعث تشدید پیش‌داوری و قوم‌مداری است. یافته‌های پژوهش مهرمند (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که جوانان آذری زبان شهر ارومیه در عین گرایش به هویت ملی، نسبت به هویت قومی نیز گرایشی قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی، رابطه مثبتی برقرار است. قادرزاده و شفیع‌نیا (۱۳۹۱) با هدف بررسی وضعیت قوم‌گرایی در دانشگاه‌های شهر سمنان به پژوهشی اقدام کردند که نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، میانگین قوم‌گرایی (نمونه کل) معادل ۵۴/۱۵ است که بر مبنای یک مقیاس از صفر تا ۱۰۰، در حد متوسط ارزیابی می‌شود. بر مبنای نتایج تحقیق، متغیرهای سابقه دانشجویی، یادگیری تعاملی، تعاملات اجتماعی و روابط انجمنی اثر مؤثر و کاهش‌دهنده‌ای بر قوم‌گرایی داشته و در مجموع، ۴۰ درصد تغییرات قوم‌گرایی دانشجویان را تبیین می‌کنند. نتایج تحقیق افشار (۱۳۹۳) در بین دانشجویان دانشگاه

تبریز نیز نشان داد قوم‌گرایی دانشجویان در سطح متوسط به پایین می‌باشد. نتایج معادلات ساختاری پژوهش حیدری (۲۰۱۴) با هدف بررسی رابطه ابعاد قوم‌گرایی با عوامل اجتماعی - ساختاری نشان داد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی تأثیر مثبت و مستقیمی بر قوم‌گرایی دارد.

در این میان، تحقیقاتی نیز در زمینه قوم‌گرایی در کشورهای مختلف صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه تطبیقی نویلیپ (۲۰۰۱) در ژاپن و امریکا اشاره کرد. او با بررسی تعاملات دانشجویان (افراد جامعه نمونه) با خارجی‌ها و سایر تجارب بین فرهنگی به این نتیجه رسید که دانشجویان ژاپنی به طور قابل توجهی در میزان قوم‌گرایی از دانشجویان امریکایی نمرات بالاتری کسب کردند. او همچنین بیان کرد که در هر دو نمونه، مردان نمرات بالاتری از زنان به دست آوردند؛ اما تفاوت‌های درون گروهی در هر دو فرهنگ به طور قابل ملاحظه‌ای، شبیه بودند؛ به علاوه، پایگاه طبقاتی، تجارب سفرهای خارجی، روابط آن‌ها با خارجی‌ها و مردم زادگاهشان، در میزان قوم‌گرایی آن‌ها تأثیری نداشت. همچنین، پارکر و سانگ^۱ (۲۰۰۶) با انجام تحقیقی در بین جوانان چینی در بریتانیا به منظور بررسی رابطه «قومیت، سرمایه اجتماعی و اینترنت^۲»، به این نتیجه رسیدند که روابطی که آن‌ها در پی بررسی آن بودند، متضمن شکل به‌خصوصی از «نسل دوم» سرمایه اجتماعی [مورد نظر پاتنام]، فراتر از سرمایه اجتماعی پیونددهنده و پل‌زننده بود. طی پژوهشی دیگر در امریکا دانگ^۳ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسید که سطح بالای تنوع فرهنگی، پیش‌بینی‌کننده مهمی در کاهش قوم‌گرایی افراد می‌باشند. بنابراین، ترویج تنوع فرهنگی معیاری حیاتی برای غلبه بر قوم‌گرایی و کاهش کشمکش‌های روابط درون گروه‌هاست. «تنوع قومی، تبعیض و اعتماد قوم‌گرایانه در افریقا» عنوان تحقیقی از رابینسون (۲۰۱۳) است که با استفاده از داده‌های پیمایش افکار عمومی ۱۶ کشور افریقایی به انجام رسیده است.

1. Parker & Song

2. Ethnicity, Social Capital and the Internet

3. Dong

نتایج نشان داد که قوم‌گرایی در ایالات دارای تنوع قومی، به طور متوسط بالاتر از میانگین است. هم‌سو با این نتیجه، یافته‌ها نشان‌دهنده ارتباط مثبت تنوع قومی با اعتماد بین کشورها و ارتباط منفی تنوع با اعتماد بین قومی درون کشورها است. تأثیرات تنوع قومی در سطح ملی بر اعتماد قومیتی از طریق تنوع محلی و منطقه‌ای تعدیل می‌شود. در مجموع، نتایج نشان داده است که تنوع قومی به‌تنهایی باعث کاهش اعتماد نمی‌شود؛ بلکه در صورت وجود تبعیض قومی، مخل اعتماد درون گروهی است.

در جمع‌بندی پیشنهادی تجربی تحقیق حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: درباره میانگین قوم‌گرایی چندین مورد از نتایج پژوهش‌های انجام‌شده که در این مقاله مطرح شده‌اند، نشان‌گر گرایش قوی به هویت قومی می‌باشد که از جمله می‌توان به نتایج تحقیق احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)؛ یوسفی و اصغری‌پور (۱۳۸۸)؛ مهرمند (۱۳۸۹) و رابینسون (۲۰۱۳) اشاره کرد. همچنین، نتایج مطالعه قادرزاده و شفیع‌نیا (۱۳۹۱) و افشار (۱۳۹۳) نشان‌دهنده متوسط بودن میانگین قوم‌گرایی در بین افراد نمونه مورد مطالعه است. در مورد عوامل مؤثر و مرتبط با قوم‌گرایی نیز اغلب تحقیقات مطرح‌شده در بالا به بررسی رابطه هویت قومی و هویت ملی پرداخته‌اند؛ از جمله احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)؛ رضایی و احمدلو (۱۳۸۴)؛ ربانی (۱۳۸۷) و مهرمند (۱۳۸۹) که نتایج تمامی آنها مبنی بر وجود رابطه مثبت بین این دو نوع هویت جمعی می‌باشد. از میان سایر عوامل اجتماعی تأثیرگذار نیز می‌توان به تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر گرایش به سایر اقوام و روابط بین قومی توسط رضایی و احمدلو (۱۳۸۴)، اثرات مؤثر و کاهش‌دهنده متغیرهای سابقه دانشجویی، یادگیری تعاملی، تعاملات اجتماعی و روابط انجمنی بر قوم‌گرایی توسط قادرزاده و شفیع‌نیا (۱۳۹۱) و تأثیر مثبت و مستقیم پایگاه اجتماعی اقتصادی بر قوم‌گرایی توسط حیدری (۲۰۱۴) در ایران و تأثیر جنسیت بر قوم‌گرایی در تحقیق نویلیپ (۲۰۰۱)، نقش سطح بالای تنوع فرهنگی در کاهش قوم‌گرایی در نتایج دانگ (۲۰۰۸) و یافته‌های رابینسون (۲۰۱۳) مبنی بر ارتباط مثبت تنوع

قومی با اعتماد بین کشورها و ارتباط منفی تنوع با اعتماد بین قومی درون کشورها اشاره کرد.

۲.۴. جمع‌بندی و ارائه مدل نظری

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور ادبیات نظری تحقیق می‌توان گفت، قوم‌گرایی (متغیر وابسته تحقیق) یک طرح‌واره ذهنی است که به موجب آن افراد یک قوم، فرهنگ خود را برترین فرهنگ موجود قلمداد کرده و براساس ارزش‌ها و هنجارهای درونی‌شده خود، در مورد ارزش‌های سایر گروه‌ها و اقوام به قضاوت می‌پردازند. مورد یادشده می‌تواند متأثر از عوامل متعددی باشد. مطابق تحقیقات تجربی پیشین و نظریات اندیشمندان، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان یکی از متغیرهای تعدیل‌کننده قوم‌گرایی در نظر گرفت. پاتنام سرمایه اجتماعی را با عناصر آن شامل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که موجب تسهیل کنش جمعی می‌شود و هم‌زمان در درون گروه (سرمایه اجتماعی پیونددهنده) و برون گروه (سرمایه اجتماعی پل‌زننده) پدیدار می‌شود و می‌تواند در تبیین و تعدیل قوم‌گرایی افراد نقش داشته باشد، معرفی می‌کند. مطابق طبقه‌بندی پاتنام در تفکیک دو نوع سرمایه اجتماعی پیونددهنده و پل‌زننده، می‌توان گفت، هر دو نوع سرمایه اجتماعی با گرایش‌های قومی در ارتباط‌اند؛ یعنی هم سرمایه اجتماعی درون گروه که برای بقا، هم‌بستگی، انطباق، مشارکت، و وفاداری آن ضروری است و هم سرمایه اجتماعی برون گروه که موجب همکاری‌های گسترده‌تر اجتماعی شده و دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر را ممکن می‌سازد.

در واقع، چگونگی روابط درون گروه و برون گروه، به عنوان بعدی از سرمایه اجتماعی بر روی نگرش، گرایش‌ها، قضاوت و عملکرد اعضای جامعه تأثیرگذارند؛ به این صورت که سرمایه اجتماعی از طریق ارائه آگاهی‌های لازم به افراد در مورد مسائل حساسیت‌برانگیزی چون روابط بین قومی و روشن کردن مرز تفاوت‌ها و تشابهات گروه خودی و غیرخودی، هویت‌یابی را تسهیل و در عین حال با ارائه راهکارهایی برای عمل در سطح کلان جامعه، هم‌بستگی را افزایش و انسجام اجتماعی را تحکیم می‌کند. با وجود این، باید در نظر داشت

که سرمایه اجتماعی همیشه یک مفهوم مثبت نیست و جنبه منفی آن ممکن است ترغیب کننده قوم گرایی بوده و موجب محرومیت و رد بیگانگان (اعضای برون گروه) شود؛ به این گونه که سرمایه اجتماعی درون گروهی، با تسهیل ایجاد ارتباطات و تقویت آن، بین مردمی با پشتوانه، صفات، منافع و تعصبات مشابه، وفاداری های قومی درون گروهی و خصومت برون گروهی را تقویت کرده، با محصور و محدود کردن گروه ها و با اغراق در مورد نقاط مشترک آنها، تعصب درون گروهی را افزایش داده، موجبات دفع بیگانگان را فراهم و به قوم گرایی منجر می شود (گیلینسون^۱، ۲۰۰۴، صص. ۲۶-۲۴). بنابراین، پیوندهای مستحکم درون گروه ممکن است به قوم گرایی و نژادپرستی منجر شود (نیس^۲، ۲۰۰۰).



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

1. Gillinson
2. Nesse

۲.۵. فرضیه‌های تحقیق

در بخش نظری تحقیق، براساس مدل نظری و نتایج به دست آمده از مرور منابع تجربی موجود، چهارچوبی مفهومی تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی به این ترتیب تدوین و مطرح شد:

- بین سرمایه اجتماعی جوانان و میزان قوم‌گرایی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان و قوم‌گرایی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان اعتماد نهادی جوانان و قوم‌گرایی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان انسجام اجتماعی جوانان و قوم‌گرایی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- اعتماد نهادی از طریق متغیرهای مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی با میزان قوم‌گرایی رابطه دارد.
- میانگین قوم‌گرایی جوانان بر حسب ویژگی‌های فردی (سن، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی) آن‌ها متفاوت است.

۳. روش تحقیق

۳.۱. نوع تحقیق و روش گردآوری اطلاعات

روش پژوهش حاضر پیمایشی و از نظر زمانی از نوع مقطعی است. جامعه آماری شامل کلیه جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تبریز به تعداد ۳۸۱۵۵۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) بود که از این تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای انتخاب حجم نمونه، به علت عدم دسترسی به فهرستی از جامعه آماری و میسر نبودن نمونه‌گیری تصادفی، مناسب‌ترین مدل در این پژوهش روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای تشخیص داده شد؛ به این ترتیب که حوزه‌های آماری شهر به عنوان خوشه در نظر گرفته شد، سپس، در هر خوشه چند بلوک به تصادف انتخاب و در هر بلوک چند فرد جوان به شیوه تصادفی نمونه‌گیری و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای تعیین حجم نمونه معرف جامعه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده شد:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{381001 (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5}{381001 (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5} = 384/16$$

که در آن:

n = تعداد افراد نمونه (۳۸۴)

N = تعداد افراد جامعه آماری (۳۸۱۵۵۱)

p = پیش برآورد واریانس متغیر وابسته (۰/۵)

d = دقت احتمالی مطلوب (۰/۰۵)

t = سطح اطمینان (۱/۹۶)

ابزار مورد استفاده جهت جمع آوری داده‌ها، پرسش نامه بسته پاسخ محقق ساخته بود که قبل از اجرای نهایی، اعتبار صوری (نظرات اساتید) و پایایی (ضریب آلفای کرونباخ) آن با نمونه ۳۰ نفری برآورد شد.

جدول ۱- ضریب آلفای گویه‌های تحقیق

| ضریب آلفا | | تعداد گویه | متغیر |
|-----------|-------|------------|-----------|
| کل | ابعاد | | |
| ۰/۸۸ | - | ۲۲ | قوم‌گرایی |
| ۰/۷۳ | ۰/۶۸ | ۴ | مشارکت |
| | ۰/۷۶ | ۳ | اعتماد |
| | ۰/۷۶ | ۱۱ | انسجام |

۲.۳. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۲.۳.۱. متغیر وابسته

قوم‌گرایی: منظور از قوم‌گرایی میزان گرایش یک فرد به مؤلفه‌های قومیت خود است؛ یعنی گرایش به درست‌پنداشتن سنت‌ها، رسوم و رفتارهای خود و نادرست‌دانستن فرهنگ

دیگری است؛ به عبارتی، تمایل به این که رسوم، فرهنگ و الگوهای رفتاری درون گروه بر سنن، فرهنگ و رفتارهای متفاوت و متمایز دیگران [برون گروه]، برتری دارد (شافر، هریسون، گرگسون، بلک و فرزند^۱، ۲۰۰۶، ص. ۱۱۵). مقیاس متغیر قوم‌گرایی برگرفته از پرسش‌نامه استاندارد نویلیپ و مک کروسکی^۲ (۱۹۹۷) در قالب ۲۲ سؤال با پاسخ بسته در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، طراحی شده است. که شامل سؤالاتی درباره ارجحیت سبک زندگی قومی خویشان یا برابری آن با سبک زندگی سایر اقوام، علاقه و احترام به ارزش‌ها و آداب و رسوم سایر قومیت‌ها، برقراری ارتباط با اعضای دیگر قومیت‌ها، اعتماد به آن‌ها و امثال این می‌شود.

۲.۲.۳. متغیرهای مستقل

سرمایه اجتماعی: دارای دو مقوله اصلی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی است. کمیت روابط اجتماعی بیان‌گر میزان روابط بین فردی و گروهی افراد و گروه‌هاست که این شبکه روابط خود، شامل روابط خانوادگی، روابط خویشاوندی، روابط دوستی، روابط همسایگی، و روابط گروه‌های رسمی می‌شود و کیفیت روابط اجتماعی که مربوط به هنجارهایی است که باید در رابطه متقابل رعایت شود و بیشتر شامل اعتماد اجتماعی و هنجار عمل متقابل است (استون^۳، ۲۰۰۱، ص. ۸).

مشارکت اجتماعی: به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن به حیات اجتماعی خود سهیم هستند (علی‌پور زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸ به نقل از محسنی تبریزی و هاشمی، ۱۳۶۹، ص. ۱۰۸). در این تحقیق، سازه مشارکت اجتماعی با معرف‌هایی چون عضویت فرد در انجمن‌ها و سازمان‌هایی هم‌چون انجمن‌های علمی، ادبی،

1. Shaffer; Harrison; Gregersen; Black & Ferzandi
2. Neuliep & McCroskey,
3. Stone

هنری، ورزشی، انجمن‌های خیریه و طرفدار محیط زیست، سازمان جوانان و هلال احمر، پایگاه‌های بسیج مورد سنجش قرار گرفته است.

اعتماد نهادی: این نوع اعتماد بازگویی خوش‌بینی و اطمینان افراد به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است (علی‌پور زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۲). برای عملیاتی کردن این متغیر در تحقیق حاضر، میزان اعتماد پاسخ‌گویان به سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها به طور جداگانه پرسیده شد.

انسجام اجتماعی: بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد که حاصل پذیرش، درونی کردن نظام آموزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق اجتماعی (احساس «ما» بودن) و تراکمی از وجود تعامل‌گر میان افراد آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۷). در این تحقیق، انسجام اجتماعی با معرف‌هایی هم‌چون احترام و توافق با سایر اقوام، علی‌رغم داشتن اختلاف با آن‌ها، میزان کمک به دیگران هنگام گرفتاری‌ها، شرکت در مراسم جمعی و گروهی، تعهد در کارهای گروهی و در نهایت، تعیین متغیرهای مناسب مورد سنجش قرار گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان داد، میانگین سن نمونه مورد مطالعه ۲۴/۰۵ و جوان‌ترین و مسن‌ترین افراد به ترتیب دارای ۱۸ و ۲۹ سال هستند. ۵۱ درصد جمعیت نمونه این پژوهش را زنان و ۴۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. در مورد وضعیت تأهل نیز ۵۹/۵ درصد مجرد، ۳۷/۶ درصد متأهل و ۲/۹ درصد مطلقه بودند. بیشتر پاسخ‌گویان با ۳۳/۳ درصد فراوانی دارای تحصیلات کارشناسی و کمترین تعداد آن‌ها با ۰/۸ درصد فراوانی دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشند. در بحث اشتغال بیشترین درصد به ترتیب مربوط به ۲۲/۸ درصد شاغل بخش خصوصی، ۲۱ درصد دانش‌آموز یا دانشجو، ۱۷ درصد بیکار، ۱۵/۳ درصد شاغل مستقل، ۱۴ شاغل بخش دولتی و کمترین درصد (۱۰ درصد) مربوط به مقوله خانه‌دار

است. همچنین، اطلاعات حاصل نشان می‌دهد، بیشترین افراد نمونه پژوهش با ۲۴/۸ درصد فراوانی دارای درآمد ماهیانه ۱،۳۰۰،۰۰۰-۹۰۱،۰۰۰ تومان و کمترین آن‌ها با ۴/۸ درصد فراوانی درآمد ماهیانه‌ای کمتر از ۵۰۰،۰۰۰ تومان دارند.

میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی در بین افراد نمونه برای انسجام اجتماعی ۷۰/۱۲ (بالاتر از متوسط)، اعتماد نهادی ۵۴/۹۳ (بالاتر از متوسط) و برای مشارکت اجتماعی ۵۰/۱۵ (اندکی بالاتر از متوسط) است که میانگین انسجام اجتماعی بالاتر و میانگین مشارکت اجتماعی پایین‌تر از میانگین سایر ابعاد است. به طور کلی، میانگین سرمایه اجتماعی ۵۶/۸۶ است که مقدار آن کمی بالاتر از متوسط است. کمترین و بیشترین مقدار سرمایه اجتماعی نیز به ترتیب برابر ۳۲ و ۷۸ است.

در مورد متغیر وابسته نیز با دامنه تغییر ۶۱، کمترین و بیشترین میزان این متغیر در بین پاسخ‌گویان به ترتیب ۳۲ و ۹۳ است. در مورد میانگین خام (۵۴/۸۹) و میانگین درصدی (۴۹/۹) نیز می‌توان گفت با اختلافی ناچیز تقریباً برابر میانگین طیفی است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرها

| متغیر | تعداد | حداقل | حداکثر | دامنه تغییرات | میانگین خام | میانگین درصدی | میزان میانگین |
|----------------|-------|-------|--------|---------------|-------------|---------------|---------------|
| قوم‌گرایی | ۴۰۰ | ۳۲ | ۹۳ | ۶۱ | ۵۴/۸۹ | ۴۹/۹ | متوسط |
| انسجام اجتماعی | ۴۰۰ | ۲۰ | ۵۳ | ۳۳ | ۳۸/۵۷ | ۷۰/۱۲ | زیاد |
| اعتماد نهادی | ۴۰۰ | ۳ | ۱۵ | ۱۲ | ۸/۲۴ | ۵۴/۹۳ | متوسط |
| مشارکت اجتماعی | ۳۹۹ | ۴ | ۲۰ | ۱۶ | ۱۰/۰۳ | ۵۰/۱۵ | متوسط |
| سرمایه اجتماعی | ۳۹۹ | ۳۲ | ۷۸ | ۴۶ | ۵۶/۸۶ | ۶۳/۱۷ | زیاد |

۲.۴. نتایج آزمون فرضیه‌ها

مطابق نتایج مندرج در جدول (۳)، نتایج به دست آمده از آزمون هم‌بستگی داده‌ها، با محاسبه ضریب هم‌بستگی پیرسون، نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنی‌دار بین سن

پاسخ‌گویان و میانگین قوم‌گرایی آن‌ها است. نتایج تحلیل آماری بررسی تفاوت میانگین متغیر قوم‌گرایی بر حسب جنسیت و به واسطه آزمون t نشان داد، میانگین قوم‌گرایی جوانان بر حسب جنسیت آن‌ها تفاوت معناداری با هم دارند؛ به این ترتیب که میانگین قوم‌گرایی در بین زنان ۵۳/۰۵ و در میان مردان ۵۶/۷۰ است. بنابراین، مردان گرایش‌های قومی بیشتری از زنان دارند. نتایج همچنین بیان‌گر عدم وجود تفاوت معنی‌دار در میانگین قوم‌گرایی جوانان بر حسب وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و گروه درآمدی آن‌ها است.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های آماری سنجش قوم‌گرایی با ویژگی‌های فردی

| متغیر | آزمون r | آزمون t | آزمون F | Sig | معنی‌داری رابطه |
|---------------------------|-----------|-----------|-----------|-------|-------------------|
| سن و قوم‌گرایی | -۰/۰۹۳ | | | ۰/۰۷۳ | رابطه غیرمعنی‌دار |
| جنسیت و قوم‌گرایی | | -۳/۳۱۵ | | ۰/۰۰۱ | رابطه معنی‌دار |
| وضعیت تأهل و قوم‌گرایی | | | ۲/۲۹۵ | ۰/۱۰۲ | رابطه غیرمعنی‌دار |
| وضعیت اشتغال و قوم‌گرایی | | | ۰/۲۳۷ | ۰/۸۹۶ | رابطه غیرمعنی‌دار |
| سطح تحصیلات و قوم‌گرایی | | | ۱/۱۱۴ | ۰/۳۵۴ | رابطه غیرمعنی‌دار |
| درآمد ماهیانه و قوم‌گرایی | | | ۱/۲۸۴ | ۰/۲۶۴ | رابطه غیرمعنی‌دار |

برای آزمون فرضیه وجود رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و قوم‌گرایی در این پژوهش از آزمون هم‌بستگی (r) پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل مطابق جدول (۴) به شرح ذیل می‌باشد:

براساس نتایج آزمون و با عنایت به سطح معنی‌داری (۰/۰۶۹) می‌توان گفت که بین انسجام اجتماعی و قوم‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد، در حالی که سطح معنی‌داری دو بعد دیگر سرمایه اجتماعی ($p < ۰/۰۵$) نشان‌گر وجود رابطه معنی‌دار و مثبت بین اعتماد نهادی و قوم‌گرایی و مشارکت اجتماعی با قوم‌گرایی است. وجود چنین ضرایب هم‌بستگی بین متغیرها بیان‌گر این است که در حالت کلی، میزان قوم‌گرایی جوانان با افزایش اعتماد آن‌ها به نهادهای مذکور و مشارکت آن‌ها در جامعه افزایش می‌یابد و برعکس.

جدول ۴- نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه قوم‌گرایی با ابعاد سرمایه اجتماعی

| متغیر مستقل | ضریب هم‌بستگی | سطح معنی‌داری | معنی‌داری رابطه |
|----------------|---------------|---------------|-------------------|
| انسجام اجتماعی | ۰/۰۹۱ | ۰/۰۶۹ | رابطه غیرمعنی‌دار |
| اعتماد نهادی | ۰/۱۷۸ | ۰/۰۰۰ | رابطه معنی‌دار |
| مشارکت اجتماعی | ۰/۱۵۰ | ۰/۰۰۳ | رابطه معنی‌دار |
| سرمایه اجتماعی | ۰/۱۷۹ | ۰/۰۰۰ | رابطه معنی‌دار |

۳.۴. نتایج تحلیل رگرسیونی

جهت بررسی نحوه تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر وابسته، از تحلیل رگرسیون چندگانه (روش Enter) استفاده شده است؛ اما قبل از تحلیل نتایج رگرسیونی شایان ذکر است که هر مدل رگرسیون به یک سری پیش‌فرض نیاز دارد که در صورت محقق شدن آن‌ها، نتایج رگرسیونی قابل اعتماد خواهند بود. در ادامه به بررسی چند مورد از پیش‌فرض‌ها پرداخته می‌شود:

برای اطمینان از استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون^۱ استفاده شد. مقادیر این آزمون معمولاً بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. طی جدول (۵) مشاهده می‌شود که میزان آن در این مدل ۱/۷۴ است که بیانگر مستقل بودن خطاها از یکدیگر است. پیش‌فرض دیگر وجود رابطه خطی بین متغیرهاست که در نرم‌افزار علوم اجتماعی، سطح معنی‌داری یا عدم معنی‌داری آزمون F نشان‌گر آن است. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار آزمون برابر ۴/۸۶۹ است و با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ پیش‌فرض خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تأیید می‌شود. برای سنجش وجود یا عدم وجود هم‌خطی متغیرهای مستقل در مدل از آماره Tolerance و VIF استفاده شد. با توجه به جدول (۶) میزان این آماره‌ها به ترتیب Tolerance بالاتر از ۰/۴ بوده و حداکثر VIF نیز به مرز ۲/۵ نرسیده است. بنابراین، در مدل مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

1. Durbin- Watson

با محقق شدن پیش فرض های رگرسیونی، اکنون به بررسی نتایج حاصل از رگرسیونی پرداخته می شود. نتایج مندرج در جدول (۵) نشان می دهد که با توجه به مقدار ضریب تبیین محاسبه شده، متغیرهای مستقل باقی مانده در مدل رگرسیونی می توانند حدود ۶ درصد از تغییرات یا واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و ۹۴ درصد باقی مانده به متغیرهای تبیین گر دیگری مربوط می شود که در این تحقیق بررسی نشده اند.

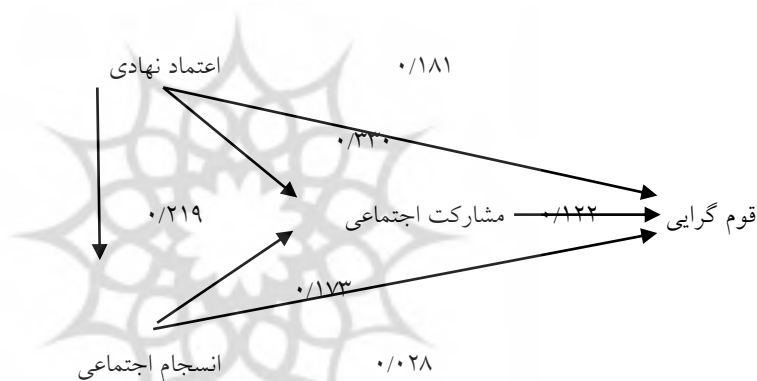
جدول ۵- تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره

| ANOVA | | | | | | | | |
|-------|--------------|--------------|------------|----------------|-------|---------------|---------------|------|
| مدل | | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | F | سطح معنی داری | ضریب تبیین | |
| ۱ | اثر رگرسیونی | ۳۰۴۶۹۳۱ | ۵ | ۶۰۹۳۸۶ | ۴/۸۶۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۶۰ | |
| | باقی مانده | ۴۸۷۴۷/۲۱۲ | ۳۸۴ | ۱۲۶/۹۴۶ | | | Durbin-Watson | ۱/۷۴ |
| | کل | ۵۱۷۹۴/۸۹ | ۳۸۹ | | | | | |

جدول ۶- آماره های مربوط به متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیون نهایی

| Coefficients | | | | | | | | |
|--------------|----------------|--------------------|----------------|-----------------|--------|-------|------------------|-----------|
| مدل | | ضرایب غیراستاندارد | | ضرایب استاندارد | T | Sig. | آماره های هم خطی | |
| | | B | خطای استاندارد | | | | VIF | Tolerance |
| ۱ | عرض از مبدأ | ۴۶/۱۲۳ | ۶/۱۴۱ | ۰/۱۷۹ | ۷/۵۱۱ | ۰/۰۰۰ | | |
| | سن | -۰/۲۲۰ | ۰/۱۷۹ | -۰/۰۶۲ | -۱/۲۲۶ | ۰/۲۲۱ | ۰/۹۷۴ | ۱/۰۲۷ |
| | جنسیت | ۳/۱۵۱ | ۱/۱۶۶ | ۰/۱۳۸ | ۲/۷۰۳ | ۰/۰۰۷ | ۰/۹۴۷ | ۱/۰۵۶ |
| | انسجام اجتماعی | ۰/۰۳۳ | ۰/۱۰۱ | ۰/۰۱۷ | ۰/۳۳۲ | ۰/۷۴۰ | ۰/۹۳۵ | ۱/۰۶۹ |
| | اعتماد نهادی | ۰/۶۷۴ | ۰/۲۲۸ | ۰/۱۵۹ | ۲/۹۵۸ | ۰/۰۰۳ | ۰/۹۵۰ | ۱/۱۷۵ |
| | مشارکت اجتماعی | ۰/۱۷۷ | ۰/۱۸۱ | ۰/۰۵۳ | ۰/۹۷۹ | ۰/۳۲۸ | ۰/۸۳۹ | ۱/۱۹۲ |

جدول (۶) نشان می‌دهد که ورود هر یک از متغیرهای جدید چه تأثیری بر ضرایب سایر متغیرها دارد. با توجه به نتایج جدول متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی شامل متغیرهای انسجام اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای سن و جنسیت است که در این میان، اعتماد نهادی با میزان $Beta=0/159$ بیشترین و انسجام اجتماعی با $Beta=-0/017$ کمترین مقدار واریانس قوم‌گرایی را تبیین کرده‌اند. برای بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم مؤثر بر متغیر قوم‌گرایی از تحلیل مسیر استفاده شد که براساس نتایج حاصل از محاسبات، مدل تحلیل مسیر به شکل زیر ترسیم می‌شود:



شکل ۲- مدل تحلیل مسیر

تأثیر مستقیم اعتماد نهادی بر قوم‌گرایی $0/181$ بوده است. متغیر یادشده از طریق متغیر انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به میزان $0/050$ و در مجموع $0/231$ بر متغیر وابسته تأثیر داشته است. این اثر نشان می‌دهد که متغیر اعتماد نهادی از طریق متغیر انسجام اجتماعی به شکل معنی‌داری تأثیر داشته است. تأثیر متغیر انسجام اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیر مشارکت اجتماعی (به میزان $0/021$) بر متغیر وابسته به میزان $0/049$ معنی‌دار بوده است.

جدول ۷- آثار مستقیم و غیرمستقیم (علی) متغیرهای تبیین کننده متغیر وابسته

| اثر کل | آثار علی | | متغیرهای مستقل |
|--------|---------------|------------|----------------|
| | اثر غیرمستقیم | اثر مستقیم | |
| ۰/۲۳۱ | ۰/۰۵۰ | ۰/۱۸۱ | اعتماد نهادی |
| ۰/۰۴۹ | ۰/۰۲۱ | ۰/۰۲۸ | انسجام اجتماعی |
| ۰/۱۲۲ | - | ۰/۱۲۲ | مشارکت اجتماعی |

۵. نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان قوم گرایی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله تبریز و شناسایی عوامل مؤثر بر آن صورت پذیرفت. در این راستا با مطالعه نظریات مطرح شده در بخش ادبیات تحقیق، فرضیه‌هایی مطرح شد که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. در ابتدا یافته‌ها نشان داد که میزان قوم گرایی در جامعه مورد بررسی در حد متوسط است. همچنین، میانگین قوم گرایی جوانان از بین متغیرهای زمینه‌ای سنجیده شده در تحقیق حاضر، تنها بر حسب جنسیت آن‌ها متفاوت است که با نتایج عمده تحقیقات انجام شده در این زمینه همخوان است؛ از جمله تحقیقات نویلیپ (۲۰۰۱) و همین‌طور لین و رنسر (۲۰۰۳) که در هر دو نمونه، مردان نمرات بالاتری از زنان به دست آوردند؛ اما نتایج تحقیق مخالف یافته‌های قادرزاده و شفیع‌نیا (۱۳۹۱) در رابطه با تنزل میانگین قوم گرایی با افزایش سابقه دانشجویی و تجربه مقاطع تحصیلی بالاتر است. همچنین، نتایج در تأیید یافته‌های نویلیپ (۲۰۰۱) در عدم تأثیر رتبه طبقاتی بر میزان قوم گرایی پاسخ‌گویان است. اولین فرضیه تحقیق بیان گر وجود رابطه معنی دار بین انسجام اجتماعی و قوم گرایی بود که تأیید نشد. به اعتقاد گرانووتر (۱۹۷۳) انسجام گروه‌های مختلف در یک نظام اجتماعی به پیوندهای ضعیف آن‌ها بستگی دارد نه پیوندهای قوی؛ زیرا پیوندهای اجتماعی ضعیف، محافل آشنایی را در جامعه گسترش داده و موجبات تعامل گروه‌های مختلف با یکدیگر را فراهم می‌آورند. فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین اعتماد نهادی و

قوم‌گرایی تأیید می‌شود. پاتنام در زمینه اعتماد بین افراد در جوامع برخوردار از تنوع قومی، معتقد است که اعتماد تحمل و همدلی نسبت به دیگران را بهبود می‌بخشد، در حالی که هزینه‌های معاملات را در تعاملات اجتماعی روزانه کاهش می‌دهد (پاتنام، ۲۰۰۰، ص. ۲۸۹). اعتماد به نهادهای اجتماعی نشان‌گر حمایت شهروندان از دولت و اقدامات آن است. زمانی که عموم به دولت و نهادهای دولتی اعتماد کنند، احتمالاً رفتار قابل قبولی نسبت به سیاست‌ها، قوانین و مقررات جامعه نشان می‌دهند و در نتیجه، سردمداران نیاز کمتری به اتکا بر زور برای اطاعت و رعایت قوانین و تهدیدات سیاسی هزینه‌بر جهت کنترل رفتار شهروندان دارند (بریم و ران، ۱۹۹۷، ص. ۱۰۰۳).

در مورد سومین فرضیه نیز نتایج به دست آمده بیان‌گر وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر مشارکت اجتماعی جوانان با میزان قوم‌گرایی آن‌ها است؛ به این معنی که هرچه میزان مشارکت جوانان در امور اجتماعی افزایش یابد، میزان قوم‌گرایی آن‌ها افزایش خواهد یافت. آنچه موجب تقویت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌شود، این است که افراد تنها به فکر دستیابی به منافع خود نباشند؛ بلکه به انجام کار جمعی در قالب گروه‌ها و تشکل‌های داوطلبانه و غیرداوطلبانه بپردازند (طرزی، علایی و عبدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷). مشارکت در انجمن‌ها شکل بارز مشارکت مدنی است که هم‌بستگی متقابل افقی (درون‌گروهی) را تقویت و موجب افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی گشته و مرزبندی‌های اجتماعی را کم‌رنگ و همگنی اجتماعی را تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳، ص. ۳۰۳) و به این صورت کارکرد مثبتی در توسعه و بهبود یک‌پارچگی و وفاق اجتماعی دارند (پاتنام، ۱۹۹۳، ص. ۳۶). با توجه به رویکرد نظری موجود و با تاسی از دیدگاه پاتنام، انتظار می‌رود که مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اعتماد به سایر افراد جامعه و نهادهای اجتماعی بر گرایش مردم به قومیت خویش مؤثر باشد و این امر هماهنگ با یافته‌های تحقیق قادرزاده و شفیعی‌نیا (۱۳۹۱) است که نشان می‌دهد میزان قوم‌گرایی دانشجویان مورد بررسی با میزان

روابط انجمنی (مشارکت در انجمن‌ها) آن‌ها رابطه معناداری دارد؛ به این ترتیب که روابط انجمنی اثر تعدیل‌کننده بر قوم‌گرایی دارد.

و آخرین فرضیه تحقیق مبتنی بر تأثیرگذاری اعتماد نهادی از طریق متغیرهای مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در میزان قوم‌گرایی است که تأیید شد. اعتماد اجتماعی اساسی‌ترین پیش‌شرط انسجام، مشارکت و به طور کلی، سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید که تأثیر مثبتی بر کاهش فردگرایی و انزوای اجتماعی دارد. به طور کلی، اعتماد، روابط اجتماعی در جوامع برخوردار از تنوع قومی را تسهیل کرده، آستانه تحمل اعضا را تقویت و پذیرش برون‌گروه را ارتقا می‌بخشد (هوگ، ۲۰۰۸).

نکته پایانی این‌که موارد مطرح شده نشان می‌دهد که انسان‌ها در انجام کنش‌های خود تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار می‌گیرند و به تبع آن، پدیده‌های اجتماعی نیز چندعلتی می‌باشند که نمی‌توان با تکیه صرف بر تبیین‌های تک‌علتی و کلی که بر نقش یک متغیر خاص تأکید دارند، به بررسی آن‌ها پرداخت؛ اما به منظور پرهیز از اطناب سخن، گاه چاره‌ای جز بررسی‌های تک‌عاملی نیست. به این سبب یکی از متغیرهای تأثیرگذار که در مقاله حاضر به آن پرداخته شد، سرمایه اجتماعی بود که نقش آن در تعدیل قوم‌گرایی به لحاظ آماری نشان داده شد. بنابراین، می‌توان گفت این متغیر تبیین‌کننده‌ای مطلوب برای پدیده‌ای هم‌چون قوم‌گرایی است و احتمالاً دلیل پایین بودن I تبیین‌شده نیز همین بررسی تک‌متغیری است.

کتاب‌نامه

۱. احمدلو، ح. و افروغ، ع. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. *مطالعات ملی*، ۴ (۱۳)، ۱۴۴-۱۰۹.
۲. ادیبی سده، م.، یزدخواستی، ب.، ربانی خوراسگانی، ع. و عباس‌زاده، ل. (۱۳۸۸). سنجش سرمایه اجتماعی میان گروهی (طیف سام). *رفاه اجتماعی*، ۱۰ (۳۸)، ۲۲۰-۱۹۳.

۳. ازکیا، م. و غفاری، غ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۹ (۳۶)، ۱۷۵-۲۰۶.
۴. افشار، س. (۱۳۹۳). *بررسی میزان هوش فرهنگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تبریز*. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تبریز. تبریز، ایران.
۵. افضل، ر. و زرغامی، ب. (۱۳۸۸). تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران. *پژوهش های جغرافیای انسانی*، (۷۰)، ۷۷-۹۰.
۶. پورقلی، م. (۱۳۸۶). قومیت گرایی در آذربایجان؛ ماهیت و عملکرد. *حصون*، (۱۴)، ۱۹۲-۲۱۵.
۷. رضایی، ا.، احمدلو، ح. (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی: بررسی جوانان تبریز و مهاباد. *مطالعات ملی*، (۲۴)، ۷-۳۴.
۸. صالحی امیری، ر. (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه های سرمایه اجتماعی. *راهبرد*، (۴۰)، ۲۷-۵۰.
۹. طرزی، ت.، علایی نسب، م. و عبدی اردیزی، ط. (۱۳۸۸). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در امنیت اجتماعی. *مطالعات امنیت اجتماعی*، (۱۸)، ۱۴۰-۱۲۵.
۱۰. علی پور، پ.، زاهدی، م. ج. و شیانی، م. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). *جامعه شناسی ایران*، ۱۰ (۲)، ۱۰۹-۱۳۵.
۱۱. قادرزاده، ا. و شفیع نی، ع. (۱۳۹۱). تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر قوم گرایی دانشجویان. *علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، (۵۹)، ۱۶۵-۲۰۶.
۱۲. کتابی، م.، ادیبی سده، م.، قاسمی، و. و صادقی ده چشمه، س. (۱۳۸۹). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان های چهارمحال و بختیاری. *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۱ (۴)، ۹۷-۱۲۲.
۱۳. گر، ت. (۱۳۷۷). *اقلیت ها، ملی گراها و برخوردهای سیاسی*. *مطالعات راهبردی*. (مترجم: حمیدرضا کریمی)، (۱)، ۲۰۷-۲۳۲.
۱۴. گیدنز، آ. (۱۳۸۴). *چشم اندازهای جهانی*. (مترجم: حمیدرضا جلالی پور). تهران: طرح نو.

۱۵. محسنی تبریزی، ع. و هاشمی، م. ر. (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت اجتماعی دانش آموزان (مطالعه موردی: دبیرستان‌های شهر اراک در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷)، ۳ (۲)، ۱۷۹-۱۵۷.
۱۶. نوابخش، م.، عطار، س. و ابوالحسنی، ر. (۱۳۹۱). رویکرد سیاست شبکه‌ای: تعمیم اندیشه سرمایه اجتماعی به عرصه تحلیل دولت. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴ (۲)، ۷-۲۱.
۱۷. یوسفی، ع. و اصغرپور ماسوله، ا. ر. (۱۳۸۸). قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران. *جامعه‌شناسی تاریخی*، (۱)، ۱۴۴-۱۲۵.
18. Brehm, J., & Rahn, W. (1997). Individual-level evidence for the causes and consequences of social capital. *American Journal of Political Science*, 41(3), 999-1023.
19. Gillinson, S. (2004). *Why cooperate?: A multi-disciplinary study of collective action*. Retrieved from <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/2472.pdf>
20. Granovetter, M. (1983). The strength of weak ties: A network theory revisited. *Sociological Theory*, 1, 201-233.
21. Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*, 78(6), 1360-1380.
22. Gudykunst, W. B., & Kim, Y. Y. (2002). *Communicating with strangers: An approach to intercultural communication*. New York, NY: McGraw-Hill.
23. Hooghe, M. (2008). Ethnocentrism. In W. A. Darity (Ed.), *International encyclopedia of the social sciences* (pp. 1-5). Philadelphia, PA: MacMillan Reference.
24. Lin, N., Ensel, W. M., & Vaughn, J. C. (1981). Social resources and strength of ties: Structural factors in occupational status attainment. *American Sociological Review*, 46(4), 393-405.
25. Lin, Y., & Rancer, A. S. (2003). Ethnocentrism, intercultural communication apprehension, intercultural willingness-to-communicate, and intentions to participate in an intercultural dialogue program: Testing a proposed model. *Communication Research Reports*, 20(1), 62-72.
26. Nesse, R. M. (2000). How selfish genes shape moral passions. *Journal of Consciousness Studies*, 7(1-2), 227-231.
27. Neuliep, J. W., & McCroskey, J. C. (1997). The development of a U.S. and generalized ethnocentrism scale. *Communication Research Reports*, 14(4), 385-398.
28. Neuliep, J. W., Chaudoir, M., & McCroskey, J. C. (2001). A cross-cultural comparison of ethnocentrism among Japanese and United States college students. *Communication Research Reports*, 18(2), 137-146.

29. Parker, D., & Song, M. (2006). Ethnicity, social capital and the Internet. *Ethnicities*, 6(2), 178-202.
30. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon & Schuster.
31. Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
32. Robinson, A. L. (2016). *Ethnic diversity, segregation, and ethnocentric trust in Africa*. Retrieved from [http:// afrobarometer.org/ sites/ default/ files/ publications / Working %20 papers / afropaperno166 .pdf](http://afrobarometer.org/sites/default/files/publications/Working%20papers/afropaperno166.pdf)
33. Shaffer, M. A., Harrison, D. A., Gregersen, H., Black, J. S., & Ferzandi, L. A. (2006). You can take it with you: Individual differences and expatriate effectiveness. *Journal of Applied Psychology*, 91(1), 109-125.
34. Sinkovics, R., & Holzmüller, H. (1994, May). *Ethnocentrism: A key determinant in international corporate strategy formulation? A workshop paper presented at EIBA International Conference, Warsaw, Poland*.
35. Stone, W. (2001). *Measuring social capital: Towards a theoretically informed measurement framework for researching social capital in family and community life*. Melbourne, Australia: Australian Institute of Family Studies.
36. Sumner, W. G. (2014). *Folkways: A study of the sociological importance of usages, manners, customs, mores, and morals*. Boston, MA: Create Space Independent.
37. Wrench, J. S., Corrigan, M. W., McCroskey, J. C., & Punyanunt-Carter, N. M. (2006). Religious fundamentalism and intercultural communication: The relationships among ethnocentrism, intercultural communication apprehension, religious fundamentalism, homonegativity, and tolerance for religious disagreements. *Journal of Intercultural Communication Research*, 35(1), 23-44.